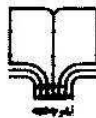


راهنمای  
سینمای آمریکای لاتین  
مجید مصطفوی

www.ketab.ir



---

سرشناسه: مصطفوی، مجید -  
عنوان و نام پدیدآور: راهنمای سینمای آمریکای لاتین / مجید مصطفوی

مشخصات نشر: تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۹

مشخصات ظاهری: ۶۱۱ ص.

شابک: 978-964-362-886-4

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: سینما -- آمریکای لاتین -- تاریخ

موضوع: سینما -- آمریکای لاتین -- تهیه‌کنندگان و کارگردانان -- سرگذشت‌نامه

موضوع: بازیگران سینما -- آمریکای لاتین -- سرگذشت‌نامه

ردمبندی کنگره: ۱۳۸۹ م ۸ / ۵ / ۱۹۹۳ PN

ردمبندی دیویی: ۷۹۱ / ۴۳۰۹۸

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۲۱۰۲۵۷۲



cheshmehpublication



telegram.me/cheshmehpublication

www.cheshmeh.ir

رده‌بندی نشرچشمه: هنر - سینما

### راهنمای سینمای امریکای لاتین

مجید مصطفوی

مدیر هنری: مجید عباسی

چاپ و صحافی: دارا

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

مطابق با استانداردهای نشرچشمه است.

هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۲ - ۸۸۶

تلفن دفتر انتشارات نشرچشمه:

۰۲۱ - ۸۴۱۱۱۱۱

دفتر فروش نشرچشمه:

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان بیرونی، خیابان رحمتی، شماره‌ی ۳۵

تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۴

کتاب‌فروشی نشرچشمه‌ی مرکزی

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰

تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

کتاب‌فروشی نشرچشمه‌ی کورش:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴

تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸ - ۹۰

کتاب‌فروشی نشرچشمه‌ی آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزادی، نرسیده به بزرگراه نیایش، خیابان حافظی، نبش خیابان فخرمقدم

مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲

تلفن: ۷ - ۷۵۹۳۵۴۵۵

کتاب‌فروشی نشرچشمه‌ی بابل:

بابل، خیابان شریعتی، روبه‌روی شیرینی‌سرای بابل

تلفن: ۲ - ۰۱۱) ۳۲۴۷۵۵۷۱

## فهرست

|     |                         |
|-----|-------------------------|
| ۷   | پیش‌گفتار               |
| ۱۷  | بخش اول - سینمای کشورها |
| ۱۷۳ | بخش دوم - سینماگران     |
| ۶۰۹ | منابع                   |

«سینمای انقلابی داستان‌سرایی نمی‌کند،

سینمایی است که تاریخ می‌سازد.»

خورخه سان‌خینس

## پیش‌گفتار

«امریکای لاتین» به منطقه‌ی وسیعی از قاره‌ی امریکا گفته می‌شود که کشورهای مکزیک، امریکای جنوبی، امریکای مرکزی و کشورهای حوزه‌ی کارائیب را در برمی‌گیرد. این منطقه، مساحتی بیش از ۲۱ میلیون کیلومتر (حدوداً در سطح مساحت کره‌ی زمین) و جمعیتی نزدیک به ۵۷۰ میلیون نفر دارد و از بیست کشور مستقل و چندین کشور وابسته تشکیل شده است. برزیل، که از نظر مساحت و جمعیت بزرگ‌ترین کشور این منطقه است، تنها کشوری است که زبان رسمی آن پرتغالی است. سایر کشورهای امریکای لاتین به طور عمدتاً با زبان اسپانیایی صحبت می‌کنند و در مناطقی از آن زبان‌های فرانسه، انگلیسی و هلندی نیز رواج دارد.

امریکای لاتین از قرن شانزدهم عرصه‌ی تاخت‌و‌تاز و سرکشی استعمارگر اسپانیایی و پرتغالی شد که با ورود به این سرزمین بکر و غنی به کشتار و استثمار مردم و غارت و چپاول منابع طبیعی آن پرداختند. پیش از آن، سه تمدن بزرگ در این منطقه وجود داشتند: با تاجران اسپانیایی‌ها به کلی نابود شد. آزتک‌ها در مکزیک، مایاها در امریکای مرکزی و اینکاها در پرو، امپراتوری‌هایی بودند که از بقایای اندکی که از شهرها و معابد و دست‌ساخته‌های آن‌ها به جای مانده می‌توان عظمت و شکوه‌شان پی برد. ساکنان این قاره از همان زمانی که پای استعمارگران اسپانیایی، و بعد پرتغالی، به این منطقه باز شد همواره در نبردی نابرابر با آن‌ها بودند و این درگیری‌ها تا دوران معاصر، که نیروهای اسپانیایی جای خود را به بریتانیایی‌ها و پس از آن به امریکایی‌ها دادند، همچنان ادامه داشته است.

با ورود فاتحان اسپانیایی به خاک این قاره، مردم سرزمین‌های دیگر نیز به این منطقه آمدند و کشورهای امریکای لاتین یکی پس از دیگری شکل گرفتند. از این رو، همگی این کشورها آمیزه‌ای هستند از مردم بومی، اعقاب اروپایی‌ها (به‌ویژه اسپانیایی‌ها، ایتالیایی‌ها و آلمانی‌ها)، برده‌های

افریقای، مهاجران آسیایی و شرق میانه (نظیر ژاپنی‌ها، چینی‌ها، لبنانی‌ها، ترک‌ها و...) آمیزش و امتزاج این جمعیت ناهمگون و متفاوت، قاره‌ای متنوع از نژادها و فرهنگ‌ها به وجود آورده که حتا در میان هر کدام از ملت‌ها و کشورها نیز تفاوت‌های عمیق منطقه‌ای، از نظر اقتصادی، فرهنگی و نژادی وجود دارد. این تنوع و ناهمگونی، باعث شده روند پیشرفت، توسعه و نوگرایی در امریکای لاتین نابرابر باشد و یکپارچگی و اتحاد ملت‌ها و هویت ملی را به روندی دشوار و رنج‌آور تبدیل کند.

بیشتر کشورهای امریکای لاتین بر ایند و مولود جنگ‌های استقلال هستند که در سراسر نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم علیه فرمانرواهای اسپانیایی و پرتغالی در جریان بود. این کشورها پس از رهایی از استعمار و دستیابی به استقلال، تشکیل شدند و طی قرن بیستم تلاش کردند تا هویت ملی خود را مستحکم و برجسته کنند. این روند، با کشاکش‌های دشوار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی همراه بود که در تمام سال‌های قرن بیستم گریبان‌گیر این کشورها بوده است. بسیاری از این کشورها، از سینما و سپس تلویزیون، به مثابه‌ی ابزار برای روند تحکیم ملیت و هویت ملی استفاده کردند. با این حال، از آن‌جا که سینما به عنوان یک ابزار ادواتی از اروپا و امریکا به امریکای لاتین وارد شد، وابستگی‌های اقتصادی، فنی و فرهنگی خود را به همراه داشت.

سینما در سال ۱۸۹۶، به طور همزمان در فرانسه و امریکا به این قاره وارد شد. نخستین فیلم‌های سینمایی در ژوئیه ۱۸۹۶ در ریو دو ژانیرو و مونتویدئو به نمایش درآمد که ساخته‌های برادران لومییر فرانسوی بودند. به زودی، در ماه اوت همان سال، با دستگاه اختراعی توماس ادیسون، ابتدا در شهرهای گوآتمالا و سپس مکزیک فیلم‌هایی به نمایش گذاشته شد و در پی آن، شهرهای دیگر امریکای لاتین شاهد نمایش فیلم شدند. تقریباً بلافاصله پس از ورود سینما به تمام این کشورها، برخی از هنرمندان و نخبه‌های جامعه که می‌توانستند از این تکنولوژی جدید استفاده کنند، تولید فیلم‌های محلی را آغاز کردند.

اغلب کشورهای امریکای لاتین فعالیت‌های سینمایی خود را با ساخت فیلم‌های مستند کوتاه خبری درباره‌ی واقعیت‌ها و رویدادهای روز آغاز کردند. از آن‌جا که اکثریت مردم امریکای لاتین در سال‌های آغازین قرن بیستم بی‌سواد و ناآگاه از مسائل اجتماعی و سیاسی بودند، سینما وسیله‌ای مناسب برای آشنایی آن‌ها با پیشینه‌ی تاریخی و مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورشان بود. از این رو، نخستین سینماگران این قاره، بیشتر به ساختن فیلم‌های مستند و تاریخی روی آوردند و برخی از آن‌ها رویدادهای تاریخی را با فیلم‌های داستانی روایت کردند. آن‌ها با پرداختن به درون‌مایه‌های تاریخی و بزرگداشت قهرمان‌ها و حماسه‌آفرین‌های محبوب تاریخ امریکای لاتین،

حس ملی‌گرایی و میهن‌پرستی را در مردم تقویت می‌کردند و رواج می‌دادند. سینمای مستند نیز به تدریج در این کشورها گسترش یافت و به ژانری مسلط و شاخص در سینمای امریکای لاتین تبدیل شد.

با این حال، تولید و توزیع فیلم‌های داخلی و بومی امریکای لاتین و قوام یافتن صنعت سینمای ملی در کشورهای قاره بادشواری‌ها و دست‌اندازهای بسیار همراه بود. از یک سو، از دوران سینمای صامت به بعد، به دلیل ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فنی کشورهای امریکای لاتین، محدودیت‌هایی برای گسترش صنعت سینما وجود داشت و هم‌زمان با آن، فیلم‌های وارداتی سینماهای حرفه‌تر پرده‌ی سینماها را به تسخیر خود درآورده بودند که برای مردم جذابیت بیشتری داشت. چراکه، افزون بر جذابیت‌های تکنولوژی جدید، کنجکاوی و اشتیاق تماشاگران به دیدن کشورهای دیگر و مردم و فرهنگ آن‌ها، فیلم‌های خارجی را با توفیق بسیار روبه‌رو می‌کرد. از سوی دیگر، در دهه‌ی ۱۹۵۰، دست امریکا مقرراتی برای کمک به سینمای هالیوود و گسترش آن در بازارهای خارجی تصویب کرد که تهیه‌کننده‌های سینمایی را به سرمایه‌گذاری تشویق می‌کرد. از این رو، سرمایه‌گذارهای خارجی در بازارهای داخلی کشورهای امریکای لاتین، در زمینه‌ی توزیع و نمایش فیلم‌های خارجی به تداوم بودند. همین امر باعث وقفه در گسترش صنعت سینمای داخلی شد.

از این رو، تا پیش از دهه‌ی ۱۹۶۰ سینمای امریکای لاتین به شدت تحت تأثیر و نفوذ سینمای هالیوود و اروپا بود و ساختن فیلم‌های ملودرام عشقی و احساسی و الگوبرداری از فیلم‌های موفق و عوام‌پسند هالیوودی رواج داشت. در این دوران، سینماگران مدگی بودند که توانستند خود را از جریان فیلم‌سازی مبتذل و عوامانه دور نگه داشته و فیلم‌هایی متفاوت و هویت‌سازانه بسازند. این سینماگران اغلب پایه‌گذار سینمای جدید و انقلابی کشورشان بودند و برخی از آثار آن‌ها، از فیلم‌های مهم و برجسته‌ی سینمای امریکای لاتین به شمار می‌رود. مهم‌ترین فعالیت‌های فیلم‌سازی در این دوران را می‌توان در کشورهای برزیل، مکزیک و آرژانتین مشاهده کرد.

در نیمه‌ی اول قرن بیستم، کشورهای برزیل (در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰) و مکزیک و آرژانتین (در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰) تنها کشورهایی بودند که توانستند سینمایی به وجود آورند که در بازارهای داخلی و در سایر کشورهای امریکای لاتین با سینمای هالیوود و اروپا، و به طور عمده ایتالیا و فرانسه، به رقابت برخیزند. توسعه‌ی سینماهای سه کشور مذکور در امریکای لاتین با بروز کساد اقتصادی بزرگ امریکا و وقوع جنگ جهانی دوم در اروپا تسهیل شد. شدت این بحران‌های سیاسی و اقتصادی چنان بود که شرکت‌های توزیع‌کننده‌ی فیلم هالیوود و اروپا را فلج کرد و هم‌زمان

با آن در امریکای لاتین حمایت‌های دولتی در جهت ایجاد سینمایی ملی شکل گرفت و گسترش یافت و باعث رونق صنعت سینمای داخلی، به‌ویژه در مکزیک و آرژانتین، شد. سینمای این دو کشور به دلیل شباهت‌های فرهنگی و اجتماعی آن‌ها با سایر کشورهای قاره، که بیش از هر چیز به خاطر اشتراک زبان اسپانیایی در این کشورهاست، به سینمای مسلط و قدرتمند منطقه تبدیل شدند. سینمای مکزیک، که در این دو دهه «عصر طلایی» خود را می‌گذراند، چنان قدرتمند شد که با سینمای هالیوود به رقابت برخاست. برزیل، تنها کشور غیراسپانیایی زبان، به علت زبان پرتغالی رایج در آن، محدودیت‌هایی داشته و دارد ولی در داخل کشور همواره از استقبال و توزیع مطلوبی برخوردار بوده است.

سینمای انقلابی و روشنفکرانه‌ی امریکای لاتین از اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ ظهور کرد. سینماگران جوانی را می‌توان نام برد که در آن زمان ظهور کردند که عشق و دل‌بستگی فراوانی به بازسازی حماسه‌های تاریخی و آداب و رسوم سنت‌های بومی سرزمین اجدادی خود داشتند و در پی دستیابی به زیبایی‌نوی و تعریف جدیدی از سینما بودند. جنبش‌های سینمای انقلابی امریکای لاتین در واقع واکنشی بود به فضای خفقان‌آور و سرده‌نگری که حکومت‌های دیکتاتوری - اغلب نظامی - به وجود آورده بودند و همچنین رواج سینمای عام، فایزانه و مبتذل هالیوود و اروپا. جنبش «سینما نو» در برزیل، با سینماگران برجسته‌ای چون نلسون سباز در برزیل، گلوبو روشا، روی گه‌را، و... از اواسط دهه‌ی ۱۹۵۰ در اعتراض به استیلای سینمای هالیوود و تولید فیلم‌های پیش‌پاافتاده و مبتذل برزیلی آغاز شد و خیلی زود به سایر کشورهای امریکای لاتین نیز سرایت یافت. در آرژانتین، دو فیلم‌ساز انقلابی، فرناندو سولاناس و اکتاویو ختینو، با آرایه «نثری» «سینمای سوم» و با ساختن فیلم برجسته‌ی ساعت آتش‌افروزی (۱۹۶۸) انقلابی در سینمای این کشور به وجود آوردند و هواداران بی‌شماری پیدا کردند. در کوبا، پس از پیروزی انقلاب به رهبری فیدل کاسترو در سال ۱۹۵۹، سینمای انقلابی و متفاوت با حمایت دولت راه‌اندازی شد که با سینمای «فران برجت»‌های چون توماس گوئیته‌رث‌آله‌آ و امبرتو سولاس موفقیت‌های بسیار کسب کرد. در بولیوی، خورخه سان‌خینس و گروه فیلم‌سازی اوکاماتو فیلم‌هایی به زبان بومی و با بازیگران غیر حرفه‌ای ساختند که با ستایش فراوان روبه‌رو شد. در شیلی، جنبش‌های انقلابی سینمایی در دهه‌ی ۱۹۶۰ شکل گرفت و در دهه‌ی ۱۹۷۰، در دوران حکومت سه‌ساله‌ی سالوادور آلنده، سینمای هوشمندانه و متفکرانه ظهور کرد که پس از سقوط حکومت آلنده، در کشورهای دیگر به صورت «سینمای در تبعید» ادامه یافت.

اما همگی این جنبش‌های انقلابی همواره با رژیم‌های دیکتاتوری درگیر بودند و بسیاری از سینماگران آرژانتینی، شیلیایی، اروگوئه‌ای، برزیلی و کلمبیایی در طی این سال‌ها بازداشت و زندانی



و شکنجه شدند و یا به تبعید رفتند. کانون‌ها و انجمن‌های فیلم تعطیل شدند و سانسور شدیدی بر سینمای اکثر کشورهای امریکای لاتین حکم‌فرما شد. به همین دلیل، راه برای ترویج و رونق سینمای عوام‌پسند و سطحی و ورود فیلم‌های خارجی، و به‌ویژه هالیوودی، باز بود.

سینمای هالیوود پس از پایان جنگ جهانی دوم، بار دیگر صدور فیلم به امریکای لاتین را با تکاپوی بیشتر و حجمی انبوه‌تر آغاز کرد. اما برخی از کشورهای این قاره برای حفظ هویت سینمای ملی تلاش کردند با تدوین قوانینی ویژه حضور هالیوود را خنثا و کم‌رنگ سازند. در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ قوانین، به تصویب رسید که تلویزیون را نیز شامل می‌شد، زیرا تلویزیون از اواسط دهه‌ی ۱۹۵۰ سهم عمده‌ی در نظام رسانه‌ای ملی کشورهای امریکای لاتین پیدا کرده بود. تلویزیون هم، مثل سینما، از هدف‌های صادراتی امریکا بود و درصد زیادی از اوقات پخش تلویزیون‌های امریکای لاتین به برنامه‌ها، مجموعه‌ها و فیلم‌های تلویزیونی امریکا اختصاص یافته بود. در کشورهای نظیر برزیل، پرو، کلمبیا و ونزوئلا و آرژانتین، که حکومت‌های ملی‌گرا و مردمی روی کار آمده بودند، قوانینی در حمایت از سینما و تلویزیون تصویب شد. هنرمندان و روشنفکران این کشورها، به‌ویژه چپ‌گراها، از این قوانین استقبال کردند ولی سرمایه‌دارها و تاجرپیشه‌گان، به‌ویژه صاحبان شرکت‌های توزیع‌کننده و مالکین سینما، که منافع خود را در خطر می‌دیدند، به مخالفت و مقابله برخاستند. بحران‌های سیاسی و اقتصادی داخلی و بین‌المللی نیز به کم‌رنگ‌تر شدن قوانین و سیاست‌های حمایتی دولت‌ها کمک کردند. این‌گونه بود که در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ و سال‌های آغازین قرن بیست و یکم قوانین و مقررات دیگری تدوین شد که هدف آن‌ها توجه بیشتر به تولید آثار مشترک بین‌المللی و درآمدزایی در بازارهای خارجی بود تا تولیدات داخلی بتواند، علاوه بر بازارهای داخلی و سایر کشورهای امریکا، در تنگنای بازارهای جهانی نیز توزیع شود. سینماگران امریکای لاتین در این سال‌ها، برخلاف فیلم‌سازان دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰، فاقد آن شور انقلابی و تمایلات سیاسی چپ‌گرایانه و تندرمانه بودند و برای دستیابی به بازارهای جهانی از جذب سرمایه‌های خارجی برای تولیدات مشترک، به‌خصوص از سینمای هالیوود و بدنه‌ی اصلی سینمای اروپا، دریغ نمی‌ورزیدند. نگرش‌های مارکسیستی و سیاسی در فیلم‌ها جای خود را به انتقادهای اجتماعی و فرهنگی داد و مسائل سیاسی بیشتر بالحنی هجوآمیز و طنزآلود و زبانی استعاری مطرح شد تا در قالب بیانیه‌های انقلابی.

اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰، امریکای لاتین شاهد سقوط دیکتاتورها و رژیم‌های نظامی بود و به تدریج دولت‌هایی با انتخاب مردم روی کار آمدند. دگرگونی در فضای سیاسی و آرام شدن حال‌وهوای ملت‌های انقلابی و سیاسی، گسترش روابط بین‌المللی و آشنایی بیشتر و عمیق‌تر

فیلم‌سازان امریکای لاتین با سینمای جهان، باعث شد که سینماگران این قاره با بهره‌گیری و تأثیرپذیری از سینمای هنری و دست‌یابی به تکنیک‌های سینمایی روز، و به‌ویژه قالب‌های خاص سینمای هالیوود، فیلم‌هایی جذاب و تأثیرگذار با درون‌مایه‌هایی از فرهنگ امریکای لاتین و موضوع‌های اجتماعی سرزمین‌های خود خلق کنند که با استقبال و ستایش مردم و منتقدان روبه‌رو شد و جوایز بسیاری از جشنواره‌های فیلم بین‌المللی، از جمله جشنواره‌های فیلم کن و برلین، دریافت کرد. فرناندو میره‌لس، هکتور باینکو و والتر سالس (از برزیل)، آله‌خاندرو گونزالس اینیاریتو، آلفونسو کوآرون و گی‌یرمو دل‌تورو (از مکزیک)، فرانسیسکو لومباردی (از پرو) و... از جمله نام‌هایی هستند که در عرصه‌های جهانی درخشیده‌اند.

سینمای امریکای لاتین در ایران، سینمای چندان شناخته‌شده‌ای نیست و علاقه‌مندان سینما آشنایی زیادی با سینمای این قاره، در قیاس با سینمای اروپا و امریکا، ندارند. شناخت ایرانی‌ها از سینمای امریکای لاتین، حدود می‌شود به سینمای انقلابی و سیاسی دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و فیلم‌سازی نظیر گل‌رُز شاتلماس گوتیه‌رث آله‌آ، فرناندو سولاناس و... و پس از آن، سینمای جدید امریکای لاتین و موج جدید سینماگران مکزیک و برزیلی سال‌های اخیر. اما به جرئت می‌توان گفت که سینمای این قاره بسیار پربارتر و غنی‌تر از این تعداد اندک فیلم‌ساز نام‌آشناست و چه فراوان سینماگرانی بودند و هستند که آثار ارزشمند و هوشمندانه‌ای ساخته‌اند و در ایران - و حتا در سایر کشورهای جهان - ناشناخته ماندند و یا اطلاعات اندکی از آن‌ها در دسترس است.

اگر تاده‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ سینمای امریکای لاتین با کشورهای پیشینه‌داری چون مکزیک، برزیل، آرژانتین، کوبا و شیلی شناخته می‌شد، در دهه ۲۰۰۰ جدیدترین کشورهای کوچکی مثل پرو، کلمبیا، بوئرتوریکو، جامائیکا، پاراگوئه، اروگوئه و... که تا همین اواخر فاقد صنعت سینمای قابل‌اعتنایی بودند، نیز سینماگران مستعد و خلاق‌ظن برتر در تولید و فیلم‌های ارزشمندی ساخته شده است که متأسفانه به دلایل متعدد، و از جمله عدم حمایت‌های دولتی و یا توزیع نامناسب تولیدات سینمایی، علاقه‌مندان سینما در جهان شناخت کمتری از آن‌ها دارند و از دیدن آن‌ها محروم‌اند. از انبوه فیلم‌هایی که در این منطقه بزرگ تولید می‌شود شمار اندکی روی پرده سینماهای جهان می‌رود و تعداد ناچیزی از طریق نوارهای ویدیویی و لوح‌های فشرده توزیع می‌شود. به همین نسبت نیز منابع نوشتاری معدودی در مورد سینمای کشورهای امریکای لاتین به چاپ می‌رسد و در دسترس عموم قرار می‌گیرد.

کتاب‌های منتشرشده در ایران درباره‌ی سینمای امریکای لاتین بسیار اندک هستند و همگی آن‌ها نیز به سینمای انقلابی این قاره در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ پرداخته‌اند. مقاله‌های به‌نسبت

بیشتری هم که در مطبوعات به چاپ رسیده، یا همین دهه‌ها را پوشش می‌دهد و یا صرفاً در باره‌ی فیلم‌ها و فیلم‌سازی است که در سال‌های اخیر به شهرت بین‌المللی رسیده‌اند و جوایز معتبری دریافت کرده‌اند.

هدف از تدوین این کتاب، تلاشی است برای پر کردن این خلأ بزرگ و تا حد امکان و مقدور سعی شده چشم‌اندازی به نسبت همه‌جانبه از سینمای امریکای لاتین ارائه شود. در ابتدا، به دلیل عدم شناخت کافی از سینمای کشورهای این منطقه، به نظر می‌رسید گردآوری، فیش‌برداری، ترجمه، نگارش و تدوین چنین مجموعه‌ای حداکثر سه تا چهار ماه به طول انجامد و کتابی با حجم دو بیست تا سیصد صفحه را در بر بگیرد. ولی پس از آغاز کار و در طی روند شکل‌گیری کتاب، شمار انبوه سینماگران امریکای لاتین، به‌ویژه در دو دهه‌ی اخیر، زمان تدوین کتاب را به بیش از یک سال و شمار صفحات آن را بسیار بیش از آن چیزی که پیش‌بینی می‌شد برساند. از سوی دیگر، به علت محدودیت و کمبود منابع نوشتاری در مورد سینمای امریکای لاتین، در بسیاری موارد برای دستیابی به اطلاعات بیشتر (ترجمه، مقایسه‌ی اطلاعات دریافتی برای جلوگیری از اشتباه) از منابع اینترنتی، زمان زیادی صرف شد.

یکی از مهم‌ترین دشواری‌های کار ترجمی و تحیح نام شخصیت‌ها و عنوان فیلم‌ها بود که می‌بایست از زبان پرتغالی (در مورد برزیل) و اسپانیایی (در مورد سایر کشورها) برگردانده می‌شد. کشورهای اسپانیایی‌زبان امریکای لاتین نیز هر کدام تلفظ و لهجه‌ی خاص خود را دارند که برای رعایت صحت ترجمه‌ی نام‌های اشخاص، تلفظ زبان اسپانیایی را در هر کشور آن کشورها باید دانست. افزون بر این، به دلیل ساختار ویژه‌ی جمعیتی این کشورها، که ترکیبی از بومی‌ها و نژادها و جمعیت‌های کشورهای دیگر است، بسیاری از اسامی از زبان‌های اروپایی و آفریقایی-اسیایی ریشه گرفته‌اند و در برخی موارد می‌بایست به همان زبان‌ها تلفظ شوند. از این رو، به ناچار برای برگردان نام اشخاص، زبان اسپانیایی کشور مادر (اسپانیا) برگزیده شد. لازم به یادآوری است که در مورد اسامی مشهور، مثل گابریل گارسیا مارکز، زاپاتا، آئنده و... تلفظ رایج و جافتاده‌ی آن‌ها به کار برده شده است.

در مورد عنوان فیلم‌ها نیز، علاوه بر آن‌که اغلب آن‌ها به زبان اسپانیایی و پرتغالی بود، می‌بایست برای ترجمه‌ی صحیح و دقیق آن‌ها، دست‌کم اطلاعاتی — هر چند مختصر — از داستان و درون‌مایه‌ی فیلم به دست می‌آمد که در مورد بسیاری از فیلم‌ها چنین اطلاعاتی یافت نشد و یا خلاصه‌ی داستان فیلم‌ها برای دست‌یابی به معنای عنوان فیلم بسنده نبود. از این رو، دشواری ترجمه‌ی عنوان این تعداد از فیلم‌ها همچنان باقی ماند. اگرچه تا حد امکان تلاش شده عنوان فیلم‌ها

به درستی به فارسی برگردانده شود، با این حال در برخی موارد ممکن است دارای اشتباهاتی باشد که امید است پیشاپیش پوزش نگارنده پذیرفته باشد و در چاپ‌های احتمالی بعدی کتاب، به همت علاقه‌مندان و کسانی که به زبان‌های اسپانیایی و پرتغالی تسلط دارند این ایراد برطرف گردد. لازم به یادآوری می‌داند که در ترجمه‌ی تعدادی از عناوین فیلم‌ها و یا تلفظ صحیح نام‌ها، که ابهام وجود داشت، از همیاری و کمک آقای رامین ناصر نصیر و در زبان پرتغالی از همفکری آقای دیه‌گو آلمیدا، وابسته‌ی فرهنگی سفارت برزیل در تهران، برخوردار بودم که بدین وسیله سپاس خود را به آنان تقدیم می‌کنم.

فرداد آرنیه برای تألیف کتاب در اسفند ۱۳۸۶ به امضا رسید، اما تهیه‌ی مطالب کتاب از سال‌ها پیش آغاز شده بود و در طی سال‌ها به تدریج به آن‌ها افزوده می‌شد. پس از امضای توافق‌نامه، کار به صورت جدی‌تر رسیده، برزی آغاز شد و تدوین کتاب و تصحیح نمونه‌های تایپی و افزودن اطلاعات تکمیلی حدود یک سال و نیم به طول انجامید که ساعات بسیاری از شبانه‌روز را درگیر آن بودم. طی این مدت همسر عزیزم سه‌ساعتی نه تنها با صبر و حوصله و تقاضم، آرامش و تمرکز را از من دریغ نکرد بلکه در رونویسی بخش اعظم دست‌نوشته‌ها همراهم بود و سهم بسیاری در تدوین کتاب دارد. همچنین لازم می‌دانم از خانم سمیرامیس سمیعی‌جم به خاطر رونویسی تعداد دیگری از دست‌نویس‌ها و فرزندانم علی مصطفی و ران نهمیه‌ی فیلم‌های کمیاب سینمای امریکای لاتین و گردآوری تصاویر کتاب سپاس‌گزاری کنم. سرانجام، باید از همیاری و همفکری آقای محسن آزرمد در به ثمر رسیدن این کتاب یاد کنم که به همت و پشت‌پوشی او این کار آغاز شد و به پایان رسید.

کتاب در دو بخش تدوین شده است: سینمای کشور سینماگران مهم. بخش اول شامل تاریخ سینماهای کشورهای امریکای لاتین از آغاز ورود سینما به آن کشورها تا اواخر دهه‌ی ۲۰۰۰ میلادی است که مجموعاً بیست کشور را در برمی‌گیرد. در این بخش تلاش شده نمای به نسبت جامعی از تاریخ سینمای هر کشور با توجه به اوضاع سیاسی، تاریخی و فرهنگی آن ارائه شود. شخصیت‌های برجسته‌ی سینمای هر یک از کشورها با حروف سیاه مشخص شده‌اند که در بخش دوم، که شامل معرفی سینماگران مهم است، توضیحات بیشتری در مورد آن‌ها و آثارشان داده شده است. در این بخش حدود ۳۷۰ سینماگر معرفی شده‌اند.

نکته‌ی پایانی این که کتاب در سال ۱۳۸۸ مجوز چاپ گرفت و قرار بود در همان سال چاپ و منتشر شود و در مرحله‌ی انتخاب طرح روی جلد بود که به دلیل مشکلاتی که برای نشر چشمه پیش آمد، انتشار آن به تعویق افتاد. در طی حدود هفت سال وقفه‌ی انتشار، فیلم‌های مهم بسیاری ساخته شدند و سینماگران جدیدی ظهور کردند که فقدان نام آن‌ها در کتاب می‌توانست به روز بودن آن را

زیر سؤال ببرد. اما به دلیل آن‌که کتاب قبلاً مجوز چاپ گرفته بود و با افزودن مطالب جدید می‌بایست مجوز جدید گرفته شود، راه حل میانه‌ای که اندیشیده شد آن بود که نام سینماگران جدید و مهم‌ترین فیلم آن‌ها به بخش اول افزوده شود و نام فیلم‌های جدید سینماگران، تا سال ۲۰۱۶، به فهرست فیلم‌های آن‌ها اضافه گردد. برخی از فیلم‌های مهم چند سال اخیر نیز با شرح کوتاهی همراه شده است که امید است مفید فایده باشد و دست‌کم سرنخی به خواننده‌ی علاقه‌مند برای پیگیری بیشتر بدهد.

www.ketab.ir